

رابطه مشارکت والدین در فرآیند آموزشی فرزندان با پیشرفت تحصیلی آنان در دوره ی ابتدایی^۱

دکتر شراره حبیبی^۲

محمد علی سراوانی^۳

چکیده :

هدف اساسی از انجام پژوهش حاضر، آگاهی و شناخت تاثیر مشارکت والدین در فرآیند آموزشی فرزندان بر پیشرفت تحصیلی آنان در مدارس ابتدایی بود. به این منظور با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، شش سؤال در رابطه با مولفه های مورد مطالعه مطرح، جامعه آماری (232) کلیه مدیران مدارس ابتدایی شهرستان گنبد کاووس می باشد. بر اساس جمعیت جامعه آماری و مشخص بودن تعداد، کل جامعه؛ آماری (232) نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردید. در نتیجه روش نمونه گیری روش سرشماری است. ابزار پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته حاوی 35 سؤال، شامل اطلاعات عمومی، سوالات مربوط به متغیر های پژوهش بر حسب طیف طبقه بندی لیکرت استفاده که برای تعیین روایی، از قضاوت متخصصان و برای تعیین پایایی یک اجرای آزمایش بر روی 30 نفر از مدیران مدارس ابتدایی، از طریق آلفای کرونباخ ضریب برابر 81٪ داده های لازم به دست آمد. داده ها با استفاده از شیوه های آمار توصیفی شامل: محاسبه فراوانی، فراوانی درصدی، جداول و نمودار و آمار استنباطی شامل: آزمون خی دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

1 این مقاله برگرفته از پایان نامه ی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن است.

2 عضو هیات علیم دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

3 کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی

نتایج حاصل از ورش خی دو نشان داد که : 1- بین سطح سود اولیاء و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. 2- بین وضعیت اقتصادی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. 3- بین فضای روانی مناسب (آرامش و صمیمیت) در خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. 4- بین توجه اولیاء و اوقات فراقت فرزندان و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد. 5- بین مشارکت اولیاء در فرآیند انجام تکالیف و یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. 6- بین همکاری اولیاء با مدرسه و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

کلید واژه :

مشارکت والدین، فرایند آموزش، پیشرفت تحصیلی

مقدمه :

از آنجا که مدرسه بعد از خانه مهم ترین نهادی است که در رفتار و کردار و دگرگونی عواطف نوجوانان نقش اصلی را بر عهده دارد، می توان با برنامه ریزی صحیح و با مشارکت معلمان و والدین، حس همکاری، حس همدردی و آداب و نزاکت اجتماعی، سازگاری، مراعات نظم، ایثار، تفکر منطقی، شناخت خود و دیگران، احترام به حقوق دیگران، حل و رفع مسائل و مشارکت در محیط های آموزشی را به دانش آموزان آموخت (داوودی، 1385، ص 16) خانه و مدرسه زمانی می توانند رسالت آموزشی و تربیتی خاص خود را به نحو مطلوب انجام دهند که همه یک شناخت تربیتی کافی داشته باشند و نقش تربیتی خاص خود را با بصیرت انجام دهند. نظام اجتماعی و حیات سیاسی جامعه بشری به تعاون و مشارکت اعضای آن بستگی دارد. این امر از طریق همیاری های مردمی استوار می گردد و آموزش و پرورش به عنوان نظامی

اجتماعی نیازمند مشارکت و همکاری همه اجزای نظام است. این نظام بدون مشارکت موثر مردم و کارکنان در ابعاد علمی، فرهنگی، اقتصادی و عاطفی نمی تواند فرآیند تعلیم و تربیت را به خوبی عملی سازد. فعالیت آموزشی و تربیتی مدارس بدون جلب توجه و همکاری اولیای دانش آموزان نتایج مطلوب نخواهد داشت، زیرا تاثیرپذیری کودک از عامل خانواده بیش از سایر عوامل است از این رو باید هرچه بیشتر افکار و نظریات اولیاء و معلمان در جهت شناخت بهتر کودک به هم نزدیک شود و انتظارات و توقعات هر کدام نسبت به همدیگر کاملاً روشن گردد تا تلاش های آموزشی به نتایج مفیدی برسد. اهمیت و نقش آموزش و پرورش در بهسازی و توسعه زندگی فردی و اجتماعی موجب شده است که جامعه و اولیای دانش آموزان انتظار داشته باشند که مدرسه محیطی رشد دهنده، پویا و زمینه ساز پرورش استعدادهای بالقوه و خداداد به فرزندان آنان باشد. مساله مشارکت والدین و مدارس از اهمیت زیادی برخوردار است. مشارکت والدین در مدارس باعث پیشرفت تحصیلی و تربیت بهتر دانش آموزان می شود. یاری رساندن اولیاء به مدرسه و یاد گرفتن آنها از مربیان، تاثیر مستقیم بر میزان یادگیری مباحث علمی- فرهنگی و به کارگیری آنها در زندگی اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان خواهد داشت. در این راستا این سئولات پیش می آید که آیا بین مشارکت والدین در فرآیند آموزشی فرزندان و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد؟ چه راههایی باید در پیش گرفت تا اولیاء علاقمند به همکاری و مشارکت با مدرسه شوند؟ از نظر عصاره مفهوم مشارکت به معنی دست در دست هم گذاشتن برای انجام دادن کاری است و ابعاد آن می تواند اجتماعی، فکری، اقتصادی و حتی سیاسی باشد (عصاره، 1376، ص 24). از نظر صالحی ریحانی مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را بر می انگیزد برای دستیابی به اهداف گروهی؛ همدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک

شوند. بر اساس تعریف فوق درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت پذیری سه ویژگی مهم مشارکت می باشد (صالحی ریحانی، 1380، ص 15). در تعریفی دیگر مشارکت به معنی فراهم آوردن و گسترش بستر نقد مشترک برای هدف های مشترک است. انجمن اولیاء و مربیان که مهمترین جایگاه ارتباط اولیاء با مدرسه است، در سال 1326، با نام «انجمن خانه و مدرسه» کار خود را آغاز کرد. اگرچه تقریباً همه اهداف انجمن خانه و مدرسه به جنبه های تربیتی، از طریق برقراری ارتباط صحیح بین مدرسه و خانه، توجه داشت، ولی نگاه صرفاً مادی مدارس به مشارکت اولیاء باعث فاصله گرفتن خانواده ها از مدارس شد. این مشکل و ضرورت های نظام آموزش و پرورش موجب شد اساسنامه انجمن اولیاء و مربیان، در سال 1367، با اهداف و رویکردی جدید به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برسد. در نگاهی اجمالی به اهداف انجمن اولیاء و مربیان در می یابیم که قانونگذار با توجه به ابعاد مختلف ارتباط بین خانه و مدرسه، تربیت اصولی و صحیح کودکان، نوجوانان و جوانان را مطابق با فرهنگ و نیازهای جامعه اسلامی، مدنظر داشته و خانواده را به عنوان یکی از ارکان تربیت صحیح فرزندان محسوب کرده است. بنابراین، دست یابی به اهداف یاد شده تنها در سایه مشارکت گسترده و عمیق اولیای دانش آموزان در تربیت امکان پذیر است. به عبارتی، همه اولیاء باید در امور دانش آموزان موثر واقع شوند (نصیری، 1387، ص 65). از نظر فضلی خانی فرایند آموزشی عبارت است از ایجاد شرایط یادگیری مطلوب برای فراگیران از طریق روش های فعال تدریس، بهبود فرآیند یادگیری که در نهایت منجر به پیشرفت تحصیلی م یگردد. در تعریف دیگر می توان گفت: از زمانی که فردی می خواهد چیزی را یاد بگیرد تا زمانی که کاملاً یادگرفته و می تواند آن را بکار ببرد، فرآیند یادگیری گویند (فضلی خانی، 1381، ص 107). از نظر شیخی پیشرفت تحصیلی موفقیت در امر تحصیل است که می تواند به مهارت در امری

خاص یا تخصص در بخشی از دانش منجر شود. همین پیشرفت تحصیلی یعنی اینکه دانش آموز در هنگام تحصیل به تدریج یادگیری اش افزایش یافته و به طور کلی نمرات او نسبت به سال های قبل سیر صعودی از خود نشان دهد (شیخی، 1373، ص 8). به نظر ونتلینگ¹ یادگیری عبارت است از تغییر رفتار آموزشی و پرورشی مطلوب در یادگیرندگان، هر نظام آموزشی و پرورشی بر اساس میزان این تغییر، رفتار یا تغییرات رفتار یا تغییرات رفتار محاسبه و مورد ارزشیابی قرار می گیرد. یادگیری مهمتر از یاد دادن است. زیرا یادگیری هدف است و یاد دادن راه رسیدن به هدف (ونتلینگ، 1375، ص 63). از نظر منادی در یک تقسیم بندی کلی می توان در حال حاضر چهار محیط را در یادگیری موثر دانست: 1- مدرسه؛ مدرسه رسمی ترین نهاد آموزشی و پرورشی در سنین کودکی و نوجوانی است. وظیفه مدرسه آموزش حداقل هایی است که فرد بدون آنها نمی تواند به خوبی از عهده نقش شهروندی و اجتماعی خود برآید. 2- خانواده؛ از سپیده دم تاریخ بشر تاکنون، خانواده به عنوان یک نهاد اساسی در نگهداری و تربیت فرزندان، نقش منحصر به فردی ایفا نموده و لذا نمی توان تاثیرگذاری آن را در ابعاد شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی بر فرد نادیده گرفت. 3- اجتماع؛ اجتماع نظام پیچیده ای است که این امکان را فراهم می آورد تا افراد تحت تاثیر عوامل مختلف در آن به تعامل با یکدیگر بپردازند، بسیاری از اجتماعات از طریق «اجبار اجتماعی» سعی می کنند بر تعاملات افراد تاثیر گذاشته و آن را به گونه ای که مطلوب جامعه است شکل دهند. پرورش اجتماعی مطلوب همه جوامع و صاحب نظران بوده و «آنتونی گیدنز»² جامعه شناس معروف انگلیسی آن را این گونه تعریف می کند: «اجتماعی شدن فرایندی است که به وسیله آن، از طریق تماس با انسان های دیگر، کودک ناتوان به

¹ Ventling

² Antoni gidnez

تدریج به انسانی آگاه، دانا و ماهر در شیوه های رفتار ویژه فرهنگ و محیط معینی تبدیل می شود» (منادی، 1387، ص 93). 4- رسانه های جمعی و اینترنت ؛ با آن که سه محیط قبلی تاثیر به سزایی در یادگیری فرد دارند، اما محیط چهارم (رسانه های جمعی و اینترنت) تفاوتی اساس با آنها داشته و به همین خاطر می تواند نقش مهمی در یادگیری به مفهوم عام ایفا نماید. مدسه، خانواده و اجتماع، در واقع محیط های تاثیرگذار سنتی می باشند که از گذشته های دور در آموزش افراد نقش داشته اند. اما رسانه های جمعی و اینترنت را می توان ابزارهای آموزشی مدرن نامید که به تنهایی می توانند تعاملات موجود در هر یک از محیط های سه گانه قبلی را تحت الشعاع قرار داده و حتی تاثیرات آموزشی آنها را ناچیز نموده یا آن را خنثی نمایند. به طوری که امروزه رسانه های جمعی با یکه تازی خود می توانند صورت فکری و فرهنگی مطلوب برنامه ریزان خویش را بر جامعه و حتی فرهیختگان و نخبگان تحمیل نموده آن را گسترش دهند. « هیلگارد»¹ و «مارکوئیز»² دو روانشناس صاحب نظر برای یادگیری تعریفی ارائه نموده اند که بسیاری از کارشناسان تربیت بر آن صحنه گذاشته اند، به نظر آنان: «یادگیری عبارتست از فرآیند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد، بر اثر تجربه». در پژوهشی که توسط فاطمه شیخی (1373) تحت عنوان « بررسی رابطه مشارکت اولیاء در امور مدارس با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» انجام گرفت نتیجه پژوهش به این شرح می باشد: هرچه سطح سواد والدین بیشتر باشد به امور تحصیلی فرزندانشان بیشتر رسیدگی م یکنند و مشارکت آنان با مدارس بیشتر می شود و درک بهتری از مسایل آموزشی و تربیتی خواهند داشت. در پژوهشی که توسط حلیمه خوری (1373) تحت عنوان « نقش اولیاء و همکاری آنان با

¹ Hilgard

² Maraqueez

مدرسه و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» انجام گرفت نتیجه پژوهش به این شرح می باشد: ارتباط اولیاء با مدرسه در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیر مستقیم داشته و عوامل موثر بشمار می رود. در پژوهشی که توسط عبدالعظیم اشعری (1377) تحت عنوان «بررسی ارتباط اولیاء و مربیان مدرسه با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» انجام گرفت نتیجه پژوهش به این شرح می باشد: بین ارتباط اولیاء و مربیان و پیشرفت تحصیلی کودک همبستگی مثبت وجود دارد و یکی از عواملی که موجب تقویت این ارتباط می شود نحوه برخورد کارکنان مدارس با اولیاء است، عامل دیگر می تواند سطح سواد والدین باشد. طبق نتایج تحقیق این امر روشن شد که هرچه سطح سواد والدین بیشتر باشد م ی تواند در ارتباط بین این دو نهاد نقش مهمی را ایفاد کند. در پژوهشی که توسط زبیده کلامی (1372) تحت عنوان «نقش اولیاء و همکاری آن ها با مدرسه و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» انجام گرفت نتیجه پژوهش به این شرح می باشد: در صورت حضور مستمر والدین در مدرسه و همکاری صمیمانه آن ها با مربیان مدرسه و نیز در صورت توجه و رسیدگی درست و به موقع در خانه، دانش آموزان پیشرفت قابل ملاحظه ای را در درس و تحصیل خواهند داشت. در پژوهشی که توسط زبیده سارلی (1382) تحت عنوان «بررسی ارتباط اولیاء دانش آموزان با مدرسه و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» انجام گرفت نتیجه پژوهش به این شرح می باشد: جهت پیشرفت تحصیلی و تربیتی فرزندان خویش ابتدا لازم است خانه را مرکز طراوت روح و اعتلای تفکر و آرامش آن ها قرار دهیم و زمینه های رشد اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی را در آن ها ایجاد کنیم و با ورود به مدرسه به عنوان خانه دوم این نونهالان ارتباط شایسته و همکاری های بایسته را با مدرسه، مرکز رشد و سازندگی فرزندان داشته باشیم. از آنجایی که بسیاری از وظایف آموزشی و تربیتی به دوش مدرسه

است، اینجاست که نباید با ورود فرزندان به محیط مدارس از خود سلب مسئولیت کرد، چون اگر غفلتی در زمینه فرهنگ صورت بگیرد کل جامعه در آن غفلت و خسارت شریک خواهند بود. پژوهشی توسط آهنگرانی فراهانی (1375) با عنوان بررسی تاثیر آموزش مشارکت اولیاء بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شهرستان اراک انجام شد که پژوهشگر نتیجه گرفته است: آموزش مشارکت اولیاء، بر افزایش مسئولیت پذیری دانش آموزان و رشد اجتماعی آنان تاثیر مثبت داشته است. پژوهشی با عنوان «نقش سواد والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر کلاس چهارم ابتدایی شهرستان بم در سال تحصیلی 77-78» که توسط سید محمد سلجوقی در سال 1378 در شهرستان بم انجام شده است، که در اینجا به خلاصه و چکیده پژوهش وی اشاره می شود: خانواده محور اصلی تعلیم و تربیت کودک است و در خانواده نقشها و کارکردها و وظایف مختلفی در قبال فرزندان اعمال م یگردد که یکی از این وظایف با سواد نمودن کودک است. یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی کودکان میزان سواد والدین است که نقشی مهمتر و بارزتر از سایر عوامل دارد. والدین تحصیل نموده آشنا به اصول تعلیم و تربیت و روانشناسی و پایه های مختلف علمی دیگر هستند که نقش سازنده ای در پیشرفت تحصیلی فرزندان خود داشته و د رعرصه های مختلف زندگی یاری گر و ناجی کودک خود هستند تا او را به سر منزل مقصود که همان قرب خداوند است برسانند. پژوهشی با عنوان: «بررسی تاثیر عوامل اقتصادی اجتماعی در پیشرفت تحصیلی» که توسط یاسمین عابدینی که در مناطق جنوب، مرکز و شمال شهر تهران، صورت گرفته است. نتایج پژوهشات یاسمین عابدینی دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه تهران که در پژوهش به بررسی «موفقیت تحصیلی دختران» پرداخته است، می افزاید: بین پیشرفت تحصیلی و مقابله "مساله مدار" رابطه مثبتی وجود دارد

زیرا دخترانی که رویارویی با مشکلات و تنیدگی‌ها از راهبردهای مساله‌مداری همچون مشورت با افراد متخصص و دارای صلاحیت استفاده می‌کنند، به علت دریافت حمایت اطلاعاتی و عاطفی از این افراد، نشانگر تنیدگی کمتری را (اضطراب، افسردگی) تجربه کرده و در نتیجه عملکردهای کلی و تحصیلی بهتری دارند. در پژوهشی با موضوع: نقش مشارکت اولیاء و مربیان در تربیت بچه‌ها» که توسط سیما مهربابیان در سال 1386 انجام شده است به این شرح می‌باشد: تربیت، مجموعه تلاش‌ها، فرصت‌ها، اقدامات، امکانات و برنامه‌هایی است که از بدو تولد کودک تا واپسین دم حیات برای رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه او به کار گرفته می‌شود. در این رابطه نقش خانواده و مدرسه نباید غفلت کرد. خانواده و مدرسه باید به محیط‌های مناسب برای پرورش خلاقیت، ایجاد انگیزه و محلی که در آن احساس امنیت کنند، تبدیل شوند. خانواده‌ها باید در تعلیم و تربیت فرزندانشان مشارکت کنند و این مشارکت در ابعاد مختلف امکان‌پذیر است. در پژوهشی که توسط محمد طلوعی (سال 1372) تحت عنوان «وضعیت اجتماعی و اقتصادی والدین و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان» انجام گرفت نتیجه تحقیق به این شرح می‌باشد: سطح درآمد خانواده نوع شغل پدر، میزان تحصیلات مادر عوامل را تشکیل می‌دهند که در تعیین درآمد فرزندان تاثیر می‌گذارد. به ه‌ز صورت که متغیرهای فوق را اندازه‌گیری کنیم به نظر می‌رسد که موقعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده اثر زیادی در درآمدهای آتی فرزندان داشته باشد. از طرق گوناگون درآمد فرزندان تحت نفوذ موقعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده قرار می‌گیرند. برای مثال خانواده‌هایی که از تحصیلات و امکانات بیشتری برخوردارند، احتمالاً فرزندان خود را به سال‌های بیشتر از تحصیلات عادی مدرسه ترغیب می‌کنند و یا خانواده‌هایی که از درآمد بالاتری برخوردارند قدرت تحمل هزینه سال‌های تحصیل فرزندان خود را نیز دارند) سایت اینترنتی،

همیاری). در پژوهشی که بوسیله «لیتل»^۱ و همکارانش (1373) انجام شده است، تفاوت دانش آموزان از لحاظ سن، سطح تحصیلات والدین و پایداری خانوادگی آنها، مورد بررسی قرار گرفته است. محققان به این نتیجه رسیده اند که پیشرفت کودکانی که والدین با سواد و آموزش دیده داشته اند بیشتر بوده است. پژوهش دیگری در زمینه روشهای تربیتی والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان توسط «ریموند کتل»^۲ و «دیلمن بارتن»^۳ انجام شده است هدف این پژوهش بررسی این نکته بوده است که آیا رفتار والدین در پیشرفت تحصیلی موثر است یا نه؟ نتیجه کلی پژوهش این بود که اولاً رفتار والدین با فرزندان در قدرتهای شناختی از جمله در پیشرفت تحصیلی موثر است. ثانیاً سختگیری و محبت بیش از حد والدین به فرزندان، موجب عقب ماندگی تحصیلی آنها می شود (آرمنده، 1372، ص 17). در پژوهشی که توسط آبرامز گیبس^۴ (2002) تحت عنوان «درگیری والدین و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» انجام گرفت نتیجه پژوهش به این شرح می باشد: خانواده های کم درآمد و دارای درگیری بین والدین مشکلات زیادی را برای فرزندان نشان بوجود می آورند که این مشکلات تاثیر بسزایی در آینده آنان دارد و بر مشاوران مدارس است که برنامه جامعی از استراتژی های مطلوب دخالت والدین به منظور هماهنگ برنامه ریزی و ایجاد برنامه های موفق طرح ریزی نمایند. در پژوهشی که توسط وایت^۵ (1982) تحت عنوان «رابطه بین وضعیت اقتصادی و اجتماعی و پیشرفت تحصیلی» انجام گرفت نتیجه پژوهش به این

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Litel

² R . B . Cattell

³ Dielman Barton

⁴ Abramz Gibs

⁵ Wiyt

شرح می باشد: ارتباطی بین وضعیت اقتصادی و پیشرفت تحصیلی پیدا شده است. برخی از پدر و مادرها امکانات مناسب جهت آسایش فرزندان را فراهم می کنند که با دانش آموز در زمینه یادگیری، مطالعه تکالیف، تشویق جهت رفتن به مدرسه و کتابخانه کمک می کنند آنها همچنین انتظارات خود از کودکان و نحوه ارتباط و علاقه شدیدی که به مدرسه فرزندان خود دارند را نشان می دهند بنابراین، نتیجه می گیریم که رابطه مثبتی بین وضعیت اقتصادی و دانش آموز در یادگیری وجود دارد. در پژوهشی که توسط بیلی^۱ (2002) تحت عنوان «اوقات فراغت پدران با فرزندان خود» انجام گرفت نتیجه پژوهش به این شرح می باشد: اوقات فراغت از جنبه های مهم ارتباط است و هرچه سطح تماس و ارتباط بین پدران با فرزندان خود بیشتر باشد و اوقات بیشتری را با هم باشند و زمان خود را صرف خواندن، انجام تکالیف، صحبت کردن با هم بگذرانند در این زمینه جامعه پذیری کودکان توسعه و رشد پیدا می کند. زیرا اگر پدر و مادر مسئولیت خطیر خود را در ارتباط با مدرسه و تربیت آموزشی اجرا نمایند خیلی از مشکلات رفع شده و نقش مثبت خانواده در تربیت آموزشی کودک مشخص می شود. و تاثیر بسزایی در تمام جنبه های رشدی فرزندان از جمله علمی، آموزشی، تفریحی و... دارد. در پژوهشی که توسط مایلز^۲، گارت^۳، ژائوجان^۴ (2003) تحت عنوان «درآمد خانواده و مشارکت در آموزش و پرورش» انجام گرفت به این شرح می باشد: رابطه ای بین درآمد خانواده و مشارکت در آموزش و پرورش وجود دارد در این پژوهش به درآمد خانواده پرداخته شده و مشارکت والدین در پیشرفت

¹ Bili

² Miles

³ Gurt

⁴ Zhaojan

فرزندانشان را مورد تاکید قرار می دهد و خانواده هایی که از درآمد بالایی برخوردار هستند مشارکت های مالی و وسایل علمی آموزشی آنها به مدرسه فرزندانشان زیاد است . این تاثیر بسزایی در فرآیند علمی و آموزشی و تفریحی آنها می گذارد. فرزندانشان پیشرفت های علمی خوبی در تحصیل خود دارند و بین درآمد و مشارکت والدین در مدارس رابطه مستقیمی وجود دارد که منجر به پیشرفت دانش آموزان در تمام زمینه ها در مدرسه می شود. پژوهش (ایمز^۱، 1992) نشان داد اولیای که حضوری منظم و مستمر برای رسیدگی به مسائل و مشکلات فرزندان خود داشتند و تمام تلاش خود را برای همکاری با مدرسه مبذول می کردند مشارکت بیشتری در امور مدرسه و شرکت بیشتری در جلسات مدرسه داشتند. پژوهش (سولومن^۲ 1989) در بررسی که روی میزان ارتباط والدین با مدرسه و شرکت آن ها در جلسات انجمن ها انجام داد ، نتیجه گرفت هر قدر والدین مراجعه منظم و بیشتری به مدارس داشتند به همان میزان بیشتر در جلسات شرکت می کردند و فرزندان آن ها از پیشرفت خوبی در زمینه تحصیلی برخوردار بودند.

سؤال اصلی پژوهش : آیا بین مشارکت والدین در فرآیند آموزشی فرزندان و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد ؟ سئولات فرعی پژوهش :

- 1- آیا بین سطح سواد اولیاء با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟
- 2- آیا بین وضعیت اقتصادی خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد ؟
- 3- آیا بین فضای روانی مناسب (آرامش و صمیمیت) در خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد ؟
- 4- آیا بین توجه اولیاء به اوقات فراغت فرزندان بر پیشرفت تحصیلی

¹ Eimes

² Solomen

آنان رابطه وجود دراد؟ 5- آیا بین مشارکت اولیاء در فرآیند انجام تکالیف و یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟ 6- آیا بین همکاری اولیاء با مدرسه و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟

هدف کلی از انجام پژوهش، آگاهی و شناخت تاثیر مشارکت والدین در فرآیند آموزشی فرزندان بر پیشرفت تحصیلی آنان تدریس مدارس دوره ابتدایی شهرستان گنبد کاوس است. در راستای هدف کلی فوق، مهمترین اهداف جزئی پژوهش به این شرح بیان شده است: 1- آگاهی از رابطه بین سطح سواد اولیاء و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. 2- آگاهی از رابطه بین وضعیت اقتصادی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. 3- آگاهی از رابطه بین فضای روانی مناسب (آرامش و صمیمیت) در خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. 4- آگاهی از رابطه بین توجه اولیاء به اوقات فراغت فرزندان و پیشرفت تحصیلی آنان. 5- آگاهی از رابطه بین مشارکت اولیاء در فرآیند انجام تکالیف و یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. 6- آگاهی از رابطه بین همکاری اولیاء با مدرسه و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روش :

پژوهش حاضر در حیطه ی تحقیقات کاربردی و از نوع میدانی بوده ، یعنی جهت نوشتن کلیات ، پیشینه ی داخلی و خارجی (روزنت) از نوع مطالعه ی کتابخانه ای ، اما برای جمع آوری اطلاعات مربوط به داده های پژوهشی و حجم نمونه از روش میدانی استفاده شده ، زیرا نتایج آن فقط به جامعه ی مورد مطالعه قابل تعمیم است و از ابزار میدانی برای جمع آوری داده ها استفاده گردیده است . روش پژوهش توصیفی و از نوع پیمایشی بوده ، زیرا پژوهشگر اندازه ی متغیرها را تغییر نداده و فقط اندازه های مختلف و موجود آن ها را توصیف و مورد بررسی پیمایشی قرار داده است .

جامعه آماری این پژوهش عبارت است از کلیه مدیران مدارس ابتدایی شهرستان گنبدکاوس (بخش داشلی برون ، بخش مرکزی و نقاط شهری) که در سال تحصیلی 89-1388 در این شهرستان در شغل مدیریت مدرسه اشتغال به کار دارند . و تعداد آنها با توجه به استعلام از مرکز آمار و بودجه آموزش و پرورش شهرستان گنبد کاووس ، 232 نفر بوده است . بر اساس جمعیت جامعه آماری و مشخص بودن تعداد ، کل جامعه آماری (232نفر) بعنوان حجم نمونه تعیین گردید . با توجه به تعداد محدود افراد جامعه ، کل جامعه به عنوان نمونه در نظر گرفته شده ، در نتیجه روش نمونه گیری روش سرشماری است .

ابزار اندازه گیری در این پژوهش ، پرسشنامه محقق ساخته است که حاوی 35 سؤال بوده و از دو قسمت : سئوالات مربوط به اطلاعات عمومی پاسخگویان (از قبیل جنس ، محل خدمت)، سئوالات مربوط به متغیرهای پژوهش بر حسب طیف طبقه بندی لیکرت (5گزینه ای) در نظر گرفته شده بود. برای

تعیین روایی^۱ محتوای آزمون از قضاوت متخصصان و برای تعیین پایانی^۲ یک اجرای آزمایشی بر روی 30 نفر از مدیران مدارس ابتدایی شهرستان گنبد کاووس که در جامعه آماری مورد نظر قرار داشتند، انجام گرفته است. ضریب پایایی این پرسشنامه از طریق مختلف محاسبه گردیده که از طریق آلفای کرونباخ این ضریب برابر 81٪ بوده که ضریب بالا و قابل قبول است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از محاسبات آمار توصیفی (محاسبه فراوانی، فراوانی درصدی، جداول و ...) و آمار استنباطی (آزمون خی دو) استفاده شده است. انجام محاسبات فوق و تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از طریق نرم افزار SPSS صورت گرفته است.

یافته ها:

سطح سواد اولیاء، سطح درآمد اولیاء، وضعیت روانی و امنیت روانی خانواده، میزان رسیدگی والدین به وضعیت درسی و تحصیلی فرزندان، اوقات فراغت فرزندان، میزان تعامل والدین با مدرسه و عوامل اجرایی آن و رابطه آنها با بهبود فرایند آموزشی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و نیز برخی از دیدگاهها و نظرات مدیران درخصوص کاربرد مشارکت اولیاء با مدرسه و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد بررسی آماری قرار گرفت که اطلاعات بدست آمده به قرار زیر می باشد.

سؤال اول پژوهش: آیا بین سطح سواد اولیاء با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟

¹ Validity

² Reliability

جدول(1): محاسبات آماری آزمون سؤال اول

فرایوانی مورد مشاهده	فرایوانی مورد انتظار	اختلاف فرایوانی ها	
21	46.4	-25.4	بسیار کم
48	46.4	1.6	کم
55	46.4	8.6	متوسط
77	46.4	30.6	زیاد
31	46.4	-15.4	بسیار زیاد
232			جمع

تاثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندان	
40.845	خی دو 2
4	درجه آزادی
.000	معنی داری

تفسیر جدول : با عنایت به محاسبات انجام شده و نتایج حاصل از آزمون سؤال نشان می دهد که ؛ خی دو محاسبه شده (40/845) از خی دو جدول (13/277) در سطح اطمینان 99 درصد و با احتمال خطای 1 درصد بیشتر می باشد . بنابراین می توان گفت که : بین سطح سواد اولیاء با پیشرفت تحصیلی اولیاء دانش آموزان رابطه وجود دارد . به بیان دیگر هر چقدر سطح سواد و تحصیلات اولیاء دانش آموزان بالاتر باشد بهتر می توانند بر فرآیند تحصیلی فرزندان موثر واقع شده و در نهایت فرزندان خانواده هایی که والدین آنها از تحصیلات بالاتری برخوردارند پیشرفت تحصیلی بهتری نیز دارند.

پرتال جامع علوم انسانی

سؤال دوم پژوهش : آیا بین وضعیت اقتصادی خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد ؟

جدول(2): محاسبات آماری آزمون سؤال دوم

فرآوانی مورد مشاهده	فرآوانی مورد انتظار	اختلاف فرآوانی ها
بسیار کم	27	19.4-
کم	41	5.4-
متوسط	101	54.6
زیاد	32	14.4-
بسیار زیاد	31	15.4-
جمع	232	

تاثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندان	
خی دو 2	82.569
درجه آزادی	4
معنی داری	.000

تفسیر جدول : با عنایت به محاسبات انجام شده و نتایج حاصل از آزمون سؤال نشان می دهد که ؛ خی دو محاسبه شده (569/82) از خی دو جدول (13/277) در سطح اطمینان 99 درصد و با احتمال خطای 1 درصد بیشتر می باشد . بنابراین می توان گفت که : بین وضعیت اقتصادی خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد به عبارت دیگر هر چقدر وضعیت اقتصادی و درآمدی خانواده بهتر باشد چنین خانواده هایی بهتر می توانند امکانات و موقعیت لازم برای تحصیل بهتر فرزندان فراهم نمایند و در نهایت بر میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان خود بیافزایند پس میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان خانواده های مرفه تر بهتر از خانواده هایی است ه با فقر و مشکلات اقتصادی دست به گریبانند .

سؤال سوم پژوهش : آیا بین فضای روانی مناسب (آرامش و صمیمیت) در خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟

جدول(3): محاسبات آماری آزمون سؤال سوم

فرآوانی مورد مشاهده	فرآوانی مورد انتظار	اختلاف فرآوانی ها
بسیار کم	21	-25.4
کم	43	-3.4
متوسط	109	62.6
زیاد	28	-18.4
بسیار زیاد	31	-15.4
جمع	232	

تاثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندان	
111.017	خی دو 2
4	درجه آزادی
.000	معنی داری

تفسیر جدول : با عنایت به محاسبات انجام شده و نتایج حاصل از آزمون سؤال نشان می دهد که ؛ خی دو محاسبه شده (28/964) از خی دو جدول (13/277) در سطح اطمینان 99 درصد و با احتمال خطای 1 درصد بیشتر می باشد . بنابراین می توان گفت که : بین وضعیت فضای روانی مناسب در خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر هر چقدر فضای روانی خانواده دور از تنش و اختلافات باشد و در خانواده آرامش و صمیمیت حاکم شود بر میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان چنین خانواده هایی نیز افزوده خواهد شد.

سؤال چهارم پژوهش : آیا بین توجه اولیاء به اوقات فراغت فرزندان و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد ؟

جدول(4): محاسبات آماری آزمون سؤال چهارم

فرآوانی مورد مشاهده	فرآوانی مورد انتظار	اختلاف فرآوانی ها
بسیار کم	5	-41.4
کم	35	-11.4
متوسط	109	62.6
زیاد	67	20.6
بسیار زیاد	16	-30.4
جمع	232	

تاثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندان	
153.259	خی دو 2
4	درجه آزادی
.000	معنی داری

تفسیر جدول : با عنایت به محاسبات انجام شده و نتایج حاصل از آزمون سؤال نشان می دهد که ؛ خی دو محاسبه شده (153/259) از خی دو جدول (13/277) در سطح اطمینان 99 درصد و با احتمال خطای 1 درصد بیشتر می باشد. بنابراین می توان گفت که : بین توجه اولیاء به اوقات فراغت فرزندان و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد به عبارت دیگر هر چقدر والدین بر نحوه گذراندن اوقات فراغت فرزندان بیشتر نظارت نمایند و در برنامه ریزی اوقات فراغت مناسب با فرزندان خود همکاری نمایند بر میزان پیشرفت تحصیلی آنان در فرآیند تحصیل نیز تاثیر مثبت خواهند گذاشت .

سؤال پنجم پژوهش: آیا بین مشارکت اولیاء در فرآیند انجام تکالیف و یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟

جدول (5): محاسبات آماری آزمون سؤال پنجم

فرآوانی مورد مشاهده	فرآوانی مورد انتظار	اختلاف فرآوانی ها
بسیار کم	21	-25.4
کم	44	-2.4
متوسط	113	66.6
زیاد	27	-19.4
بسیار زیاد	27	-19.4
جمع	232	

نظارت و مشارکت والدین بر فرآیند انجام تکالیف و یادگیری و پیشرفت تحصیلی فرزندان	
125.845	خی دو 2
4	درجه آزادی
.000	معنی داری

تفسیر جدول: باعنایت به محاسبات انجام شده و نتایج حاصل از آزمون سؤال نشان می دهد که؛ خی دو محاسبه شده (125/845) از خی دو جدول (13/277) در سطح اطمینان 99 درصد و با احتمال خطای 1 درصد بیشتر می باشد. بنابراین می توان گفت که: بین مشارکت اولیاء در فرآیند انجام تکالیف و یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. به بیان دیگر هرچقدر مشارکت اولیاء در فرآیند انجام تکالیف درسی و یادگیری فرزندان بیشتر گردد بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نیز افزوده خواهد شد.

سؤال ششم پژوهش: آیا بین همکاری اولیاء با مدرسه و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟

جدول(6): محاسبات آماری آزمون سؤال ششم

فرآوانی مورد مشاهده	فرآوانی مورد انتظار	اختلاف فرآوانی ها
بسیار کم	20	-26.4
کم	28	-18.4
متوسط	62	15.6
زیاد	89	42.6
بسیار زیاد	33	-13.4
جمع	232	

تاثیر میزان تعامل و همکاری اولیاء با مدرسه بر پیشرفت تحصیلی فرزندان	
خی دو 2	70.543
درجه آزادی	4
معنی داری	.000

تفسیر جدول: با عنایت به محاسبات انجام شده و نتایج حاصل اط آزمون سؤال نشان م یدهد که؛ خی دو محاسبه شده (70/543) از خی دو جدول (13/277) در سطح اطمینان 99 درصد و با احتمال خطای 1 درصد بیشتر می باشد. بنابراین می توان گفت که: بین همکاری اولیاء با مدرسه و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. بعبارت دیگر هر چقدر اولیاء با مدرسه همکاری و تعامل بیشتری داشته باشند بر میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان نیز افزوده خواهد شد یعنی پیشرفت تحصیلی فرزندان خانواده هایی که با مدرسه ارتباط و تعامل بیشتری دارند به مراتب بیشتر از خانواده هایی است که ارتباط و همکاری کمتری با مدرسه دارند.

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به آزمونها و سوالها و تجزیه و تحلیل داده ها، نتایج پژوهش بشرح زیر ارائه و بحث می گردد: براساس محاسبه خی دو مشخص شد که؛ بین سطح سواد اولیاء و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. به بیان دیگر هرچقدر سطح سواد و تحصیلات اولیاء دانش آموزان بالاتر باشد بهتر می توانند بر فرآیند تحصیلی فرزندان موثر واقع شده و در نهایت فرزندان خانواده هایی که والدین آنها از تحصیلات بالاتری برخوردارند پیشرفت تحصیلی بهتری نیز دارند. این نظر را سلجوقی در پژوهش خود با عنوان نقش سواد والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد تایید قرار داده است و نتیجه گرفته که یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی کودکان میزان سواد والدین است که نقش مهمتر و بارزتر از سایر عوامل دارد. در این خصوص مطالعات اندیشمندان دیگری از جمله الیزابت پنیک، بازرگان ودری نیز اشاراتی به این موضوع داشته است.

با توجه به محاسبه خی دو و تایید مثبت این سؤال می توان نتیجه گرفت که؛ بین وضعیت اقتصادی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد بعبارت دیگر هرچقدر وضعیت اقتصادی و درآمدی خانواده بهتر باشد چنین خانواده هایی بهتر می توانند امکانات و موقعیت لازم برای تحصیل بهتر فرزندان فراهم نمایند و در نهایت بر میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان خود بیافزایند پس میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان خانواده های مرفه تر بهتر از خانواده هایی است که با فقر و مشکلات اقتصادی دست به گریباندند. این نظر را عباس زاده در پژوهش خود با عنوان بررسی وضعیت اقتصادی خانواده ها در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد تایید قرار داده است و نتیجه گرفته که اقتصاد خانواده نیز بسیار موثر است و به اولیاء این امکان را می دهد که زمینه های رشد و اعتلای تعلیم و تربیت فرزندان را فراهم

کنند در این خصوص مطالعات اندیشمندان دیگری از جمله وایت، مایلز، گارت، ژائو جان، طلوعی، عابدینی، پور ظهیر نیز اشاراتی به این موضوع داشته است. با توجه به محاسبه خی دو و مثبت بودن پاسخ به این سؤال می توان نتیجه گرفت که ؛ بین وضعیتفضای روانی مناسب در خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر هر چقدر فضای روانی خانواده دور از تنش و اختلافات باشد و در خانواده آرامش و صمیمیت حاکم شود بر میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان چنین خانواده هایی نیز افزوده خواهد شد . این نظر را گیبس در پژوهش خود با عنوان درگیری والدین و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد تایید قرار داده است و نتیجه گرفته در خانواده هایی که آرامش حکم فرما است ، دانش آموزان در زمینه تحصیلی پیشرفت داشته اند در این خصوص مطالعات اندیشمندان دیگری از جمله مهربیان ، عسکریان ، پیری ، ریموندکتل و دیلمن بارتن نیز اشاراتی به این موضوع داشته است .

با توجه به محاسبه خی دو و تایید مثبت این سؤال می توان نتیجه گرفت که ؛ بین توجه اولیاء به اوقات فراغت فرزندان بر پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد به عبارت دیگر هرچقدر والدین بر نحوه گذراندن اوقات فراغت فرزندان بیشتر نظارت نمایند و در برنامه ریزی اوقات فراغت مناسب با فرزندان خود همکاری نمایند بر میزان پیشرفت تحصیلی آنان در فرآیند تحصیل نیز تاثیر مثبت خواهند گذاشت . این نظر را بیلی در پژوهش خود با عنوان اوقات فراغت پدران با فرزندان خود مورد تایید قرار داده است و نتیجه گرفته که هرچه اولیاء اوقات بیشتری را با فرزندان خود باشند نقش مثبت خانواده در تربیت آموزش کودک مشخص می شود و تاثیر بسزایی در تمام جنبه های رشدی فرزندان از جمله علمی ، آموزشی ، تفریحی و ... دارد . در این

خصوص مطالعات اندیشمندان دیگری از جمله ریچارد ، راجز ، مک کارتی ، لیتل و همکاران نیز اشاراتی به این موضوع داشته است. با توجه به محاسبه خی دو مشخص شد که ؛ بین مشارکت اولیاء در فرآیند انجام تکالیف و یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد . به بیان دیگر هرچقدر مشارکت اولیا در فرآیند انجام تکالیف درسی و یادگیری فرزندان بیشتر گردد بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نیز افزوده خواهد شد. این نظر را ایمز در پژوهش خود که به صورت مقایسه ای میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که والدین آنها به طور مستمر بر فرآیند تحصیلی و انجام تکالیف نظارت نموده و با مدرسه ارتباط بیشتری دارند مقایسه کرده که در نتیجه مشخص شد دانش آموزان گروه دوم وضعیت تحصیلی بهتری داشته و در کسب معدل های بالاتر موفق تر بوده اند . در این خصوص محققان دیگری از جمله صادقیان ، تاج الدینی ، احمدیه ، سعیدی نیز اشاراتی به این موضوع داشته است.

با توجه به محاسبه خی دو و نتایج حاصل از بررسی میدانی می توان گفت که ؛ بین همکاری اولیاء با مدرسه و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر هرچقدر اولیاء با مدرسه همکاری و تعامل بیشتری داشته باشند بر میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان نیز افزوده خواهد شد یعنی پیشرفت تحصیلی فرزندان خانواده هایی که با مدرسه ارتباط و تعامل بیشتری دارند به مراتب بیشتر از خانواده هایی است که ارتباط و همکاری کمتری با مدرسه دارند. این نظر را خوری در پژوهش خود با عنوان نقش اولیاء و همکاری آن ها با مدرسه و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد تایید قرار داده است و نتیجه گرفته که ارتباط اولیاء با مدرسه در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیر مستقیم داشته و عوامل موثر بشمار می رود . در این خصوص مطالعات اندیشمندان دیگر از جمله تقی پور ، آصفی ، فرجاد

و سولومن نیز اشاراتی به این موضوع داشته است . با توجه به نتایج
آزمون سئوالات ، در مجموع می توان گفت که ؛ مشارکت والدین در فرآیند
آموزشی فرزندان با پیشرفت تحصیلی آنان رابطه مستقیم دارد و هرچه قدر
مشارکت و همکاری اولیاء با مدرسه زیاد باشد این امر موجب بهبود فرآیند
آموزشی در تمام زمینه های علمی ، آموزشی و ... در نهایت منجر به پیشرفت
تحصیلی خواهد شد.



کتابنامه:

- آرمند، محمد(1372)، نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان، تهران نشریه ماهنامه آموزشی، تربیتی پیوند، شماره 223.
- آهنگرانی فراهانی، عصمت(1375)، بررسی تاثیر آموزش مشارکت اولیاء بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، اراک، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- اشعری، عبدالعظیم (1377)، بررسی ارتباط اولیاء و مربیان مدرسه با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، گنبد کاوس، پایان نامه کارشناسی.
- خوری، حلیمه(1373)، نقش اولیاء و همکاری آنان با مدرسه و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، گنبد کاوس، پایان نامه کارشناسی.
- سلجوقی، سید احمد(1378)، نقش سواد والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر کلاس چهارم ابتدایی، شهرستان بم، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- سارلی، زبیده(1382)، بررسی ارتباط اولیاء دانش آموزان با مدرسه و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، گنبد کاوس، پایان نامه کارشناسی.
- شیخی، فاطمه(1373)، بررسی رابطه مشارکت اولیاء در امور مدارس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، گنبد کاوس، پایان نامه کارشناسی.
- داوودی، نادر(1385)، فرآیند مشارکت خانه و مدرسه در نظام آموزشی و تربیتی، روزنامه رسالت، مورخه 85/8/24.
- صالحی ریحانی، سید حسین(1380)، بررسی رابطه رضایت شغلی و مشارکت جویی، فرهنگ مشارکت، شماره 29.
- طلوعی، محمد(1372)، وضعیت اجتماعی اقتصادی والدین و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.

- عابدینی، یاسمین (1379)، بررسی تاثیر عوامل اقتصادی اجتماعی در پیشرفت تحصیلی، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- عصاره، علی رضا (1376)، راههای عملی مشارکت مردم در آموزش و پرورش، مجله فرهنگ مشارکت، شماره 216.
- فضل خانی، منوچهر (1381)، راهنمای عملی روشهای مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس، تهران: موسسه فرهنگی منادی تربیت.
- کلامی، زبیده (1372)، نقش اولیاء و همکاری آنها با مدرسه و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، گنبد کاوس، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- مهرابیان، سیما (1386)، نقش مشارکت اولیاء و مربیان در تربیت بچه ها، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- منادی، مرتضی (1387)، درآمدی جامعه شناختی بر جامعه پذیری، تهران، انتشارات جیحون.
- نصیری، محمد (1387)، مشارکت اولیاء در فرایند و تربیت، نشریه ماهنامه آموزشی، تربیتی پیوند، شماره 342-343.
- ونتلینگ، تیم (1375)، برنامه ریزی برای آموزش اثربخش، ترجمه محمد چندری، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی